

از ماه مه تا ماه مه

تاریخ زندگی بشر تاریخ مبارزه طبقاتی است و تقویم تاریخ عصر ما در واقعی ترین تصویر، تقویم جنگ و ستیز جاری میان توده های فروشنده نیروی کار با مناسبات کار مزدوری است. فاصله هر ماه مه تا ماه مه با رخدادها و حوادث اجتماعی و سیاسی معینی پر می شود که در ژرف ترین تبیین بازتاب واقعی این جدال عظیم تاریخی است. آفتاب اول ماه مه سال ۲۰۰۳ اینک در آستانه طلوع است. طلوعی که امسال نیز همسان سالهای قبل نه بر سینه تعرضات و فتوحات سرخ کارگران که از پشت قله سیاه یکه تازی و بربرمنشی سرمایه جهانی بر صحنه حیات بشر چهره میکشد. طلوعی آکنده از پیام و پرسش که بالاخره چند میلیارد کارگر سکنه زمین تکلیف زندگی و زنده ماندن خود را با اختاپوس وحشت سرمایه چگونه؟ کی و در کجا؟ تعیین خواهند کرد؟

سال گذشته همسان سالهای پیش جریان تازش بی مهار سرمایه در تعمیق استثمار توده های کارگر، تحکیم بند بردگی مزدی بر دست و پای کارگران دنیا، فشار سهمگین تر گرسنگی، بی مسکنی، بی آموزشی، بی بهداشتی و همه مصائب دیگر سرمایه داری بر زندگی فروشنندگان نیروی کار، سال ددمنشانه ترین جنگ افروزیهای نظام کاپیتالیستی علیه توده های کارگر عراق، قتل عامهای بیحساب کودکان، زنان، پیران، فزونی ثانیه به ثانیه شمار کودکان خیابانی، توسعه بیکران بازارهای سیاه سکس و فحشاء، جایگزینی افزونتر و افزونتر غذا توسط مواد مخدر، پوشاک توسط گلوله، مسکن، توسط میدانهای مین، سال گسترش بی امان همه اشکال وحشیگری و جنایت و درندگی نظام کاپیتالیستی بود. زندگی سیاه میلیونها کارگر نفرین شده در سرزمین عراق گورهای دستجمعی چندین هزار کودک و پیر و جوان فلسطینی، مرگ و میر دهها میلیونی کارگران افریقا، بیکاری میلیاردین کارگران در چهارگوشه گیتی، سیر تصاعدی شمار کارگران زندانی به جرم مطالبه ابتدائی ترین حقوق انسانی، فضای سراسر رعب، وحشت، دستگیری و شکنجه کارگران در امریکا، سقوط چند میلیون کارگر ایرانی از هستی، تشدید بیحقوقی و استثمار همه بخشهای طبقه کارگر دنیا گویای سرنوشت زندگی بشر در زیر تازیانه تاخت و تاز سرمایه علیه طبقه کارگر در طول سال گذشته بود. سرمایه بین المللی در طول این سال با استمداد لحظه به لحظه از تمامی این جنایات کوشید تا کلیه بار بحرانش را بر گرده طبقه کارگر بین المللی بار کند. طبقه سرمایه دار جهانی و دولتهای کاپیتالیستی در سراسر دنیا برای تحمیل این سیه روزیها بر توده های کارگر کشورها بیشترین "وفاق" نامقدس طبقاتی را بنمایش گذاشتند و ریز و درشت، دموکرات و هار، مذهبی و لائیک در برابر طبقه کارگر بین المللی جبهه واحدی از سبعیت و انسان ستیزی را سازمان دادند.

از سنگر توحش بورژوازی به جبهه مقابل، به جنبش طبقه کارگر بین المللی و آرایش قوای توده های کارگر در برابر بورژوازی گذر کنیم. طبقه کارگر جهانی در طول این سال در چهار گوشه دنیای سرمایه داری جنگ و ستیز همیشگی برای دفاع از حداقل معیشتی و امکانات زیستی عجالتاً موجود را به پیش برد. در امریکا، در اروپا، امریکای لاتین و آسیا مبارزه طبقه کارگر برای دفع تهاجمات سرمایه با افت و خیز به پیش تاخت. توده های کارگر ایران نیز در طی این سال علیه دهشتبارترین شرائط بیحقوقی و کار و زیست اجتماعی خود به خیزشهای وسیعی دست یازید. سال گذشته در عین حال، سال وقوع پاره ای حوادث امید بخش در عرصه تقابل طبقه کارگر با سرمایه جهانی بود. خروش سیل آسا و خشمگین صدها میلیون کارگر جوان و پیر، زن و مرد، شاغل و بیکار از سراسر جهان با شعارهای ضد جنگ امریکا علیه مردم عراق، اشعه ای ولو کم فروغ را بر برهوت ظلمت و دهشت سرمایه داری فرو تاباند. طبقه کارگر در جنبش ضد جنگ و در اعتراض به جنایات دولتهای دژخیم سرمایه داری علیه بشریت نقش وسیع و چشمگیری ایفاء کرد.

آنچه اشاره شد سیمای عام تقابل میان بورژوازی و جنبش کارگری در سطح بین المللی از ماه مه ۲۰۰۲ تا ماه مه ۲۰۰۳ بود. تصویری از آرایش قوا و موقعیت جنگ و ستیز دو طبقه اساسی جهان موجود که دو پرسش بسیار اساسی را در پیش روی طبقه کارگر بین المللی قرار میدهد.

سؤال اول اینکه آیا مردم کارگر دنیا با سطح موجود مبارزه و صف آرائی کنونی پیکارشان از هیچ شانسی برای بهبود زندگی خویش یا حتی حفظ همین زندگی حاضر رقت بار، با همه فقر، فلاکت، گرسنگی، آوارگی، بی بهداشتی، بی آموزشی و سیه روزیهایش بر خوردارند؟ و دوم اینکه اگر پاسخ سؤال بالا منفی است در این صورت

چه راهی در پیش رو دارند؟ تمامی شواهد با بیشترین صراحت ممکن به پرسش اول قاطعانه نه میگوید. نوعی نه، که برای اثبات آن نیاز به هیچ بحث تئوریک و جدال مکتبی نیست. آنچه لحظه به لحظه در طول سی سال اخیر بر کارگران گذشته است نیرومندترین دلیل صحت این مدعاست. کدام بخش از طبقه کارگر در کدام گوشه جهان حاضر میتواند ادعا کند که سطح معیشت و امکانات اجتماعی اش هر سال از سال پیش بدتر و غیرقابل تحمل تر نشده است؟ کدام انسان عاقل میتواند در افزایش روز به روز شمار بیکاران تردید کند؟ چه کسی می تواند آمار جانخراش فزونی بی امان شمار مرگ و میر ناشی از گرسنگی و بی داروئی کودکان دنیا را انکار نماید؟ اجبار به تن فروشی بعنوان تنها وسیله امرار معاش صدها میلیون سکنه کره زمین در طول چند سال گذشته و گسترش دقیقه به دقیقه آن در شش گوشه دنیا از جانب کدام فرد ذیشعور میتواند مورد شک واقع شود؟ افزایش غول آسای شمار زن و کودک و پیر و جوان آواره در سرتاسر جهان ریشه بر اندام کدام انسان با وجدان نمیاندازد؟ تاریخ سالهای اخیر، تاریخ سقوط هر چه پرشتابتر و سهمگینتر اکثریت بشر در تمامی اشکال فلاکت و سیه روزی است و این روند شتابناک سقوط از هستی بر متن شرائطی رخ داده است که فضای زندگانی بشر از گسترش انباشت سرمایه بشدت دم کرده است. محصول سالیانه کار و تولید توده های کارگر بگونه ای نجومی افزایش یافته است. بارآوری کار اجتماعی با نرخهای کوه پیکر دچار فزونی شده است. همه اینها با رساترین صدا بر سر بشریت فریاد میکشد که از هیچ شانسی برای ادامه زندگی در سیطره نظام کاپیتالیستی حتی به شیوه رقت بار و دردناک کنونی برخوردار نیست.

سؤال دوم برای هر کارگر در هر گوشه دنیا این است که چه باید کرد؟ در اینجا نیز پاسخ چندان ناروشن نیست. با اعتراض علیه بیحقوقی کاپیتالیستی و در همان حال آویختن به راه حلهای کاپیتالیستی، با مبارزه علیه این یا آن سیاست بانک جهانی، علیه این یا آن طرح صندوق بین المللی پول، علیه این یا آن شگرد سازمان تجارت جهانی، با شعارهای خشک و خالی ضد کاپیتالیستی، با مجرد مبارزه علیه این یا آن رفرم ارتجاعی دولتهای بورژوازی هیچ مشکل چندان از زندگی مردم کارگر دنیا گشوده نمی شود. سازمان دادن جنبش لغو کار مزدی، طرح بدیل کمونیستی پرولتاریا در مقابل عینیت موجود کاپیتالیستی، طرح راه های کمونیستی در مقابل راه حلهای بورژوازی در کلیه عرصه های حیات اجتماعی، مبارزه سازمان یافته کمونیستی در تمامی میادین علیه سرمایه داری و بالاخره پایان دادن به بود و بقای کار مزدوری تنها راهی است که بشریت کارگر و فرودست برای رهایی از سیه روزیهای موجود در پیش روی دارد. سازمان دادن این مبارزه نه اتوپی که امری طبیعی و مقدر است. باید دو راهی کنونی تاریخ را درک کنیم. نظام سرمایه داری امکان ماندگاری خود را بر ساقط نمودن تام و تمام ما از هستی استوار ساخته است. اگر قرار است زنده بمانیم، و اگر قرار است آزاد، مرفه و شرافتمندانه زندگی کنیم باید بر موجودیت سرمایه داری نقطه پایانی بگذاریم.

بیایید اول ماه مه را به سرآغاز خیزشی نوین برای سازمان دادن جنبش لغو کار مزدی و توسعه جنبش شورائی و کمونیستی کارگران به تمامی مراکز کار و تولید در سرتاسر دنیا مبدل سازیم.

بیایید تا در مقابل کلیه راه حلهای مسلط یا اپوزیسیون نمایانه بورژوازی، سوسیالیسم راستین خویش را در قالب یک برنامه جامع الاطراف اقتصادی و یک سازمان کار و مدنیت کنکرت گسسته از کار مزدوری بر سر دولتها و بنیان تبهکار نظام انسان ستیز سرمایه داری فرو کویم.

بیایید تا سندیکالیسم و رفرمیسم را از هر نوعش که باشد مسالمت، جویانه یا میلیتانت به بایگانی تاریخ بسپاریم، بیایید تا با برپائی شوراها کارگری و تحزب راستین کمونیستی نیروی عظیم طبقاتی و بین المللی مان را در عرصه پیکاری تاریخی و سرنوشت ساز برای رهایی کل بشریت از شر تمامی فجایع و سیه روزی جامعه کاپیتالیستی بنمایش گذاریم.

کمونیست امروز